

حیات مجاهدانه از منظر آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین سیدتقی فادری*

اشاره

یکی از موضوعات پرتکرار قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام موضوع «جهاد» است. جهاد از واژه عربی «جَهْد» به معنای مشقت و سختی بسیار و تلاش سخت و کامل است.^۱ البته به زمین سخت که در آن گیاه نروید نیز جَهْد می‌گویند که جمع آن جُهْد است. واژه «جُهْد» به معنای نیرو و توانایی نیز به کار می‌رود؛ ازاین رو گفته می‌شود «بَدَلْ جُهْدَهُ: تمام نیروی خود را به کار بُرد» یا گفته می‌شود: «أَجْهَدُ الدَّابَّةَ: ستور را بیش از طاقتش بار کرد». پس واژه جهاد به معنای نیرو و توان فوق‌العاده‌ای است که انسان در کاری سخت و مشقت‌بار به کار می‌گیرد. زمین سخت را نیز به دلیل آنکه نفوذناپذیر است، جُهْد می‌گویند تا سخت‌کاری و مشقت آن را بیان کنند. جهاد الحق به معنای آشکارشدن حق است که البته به سختی از درون باطل و شبهات آشکار می‌شود؛ همچنین جهاد المال به معنای هزینه بیهوده است؛ یعنی مشقت مالی و توان و نیروی خود را در جایی صرف‌کردن که هیچ سودی ندارد.

به هر کوشش و تلاشی، جهاد گفته نمی‌شود، بلکه کوششی تمام و کامل همراه با سختی و مشقت را جهاد می‌گویند. در این نوشتار به انواع جهاد از دیدگاه قرآن و روایات می‌پردازیم و درصدد بیان این مطلب هستیم که زندگی مؤمنان باید سراسر مجاهدانه باشد. مؤمن در هر حال در مسیر جهاد در حرکت است.

مراتب و اقسام جهاد

تحقیق و بررسی کاربرد جهاد در قرآن و روایات که منبع اصلی تفکر اسلامی است، بیان‌کننده

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۸۶، «جَهْد».

این معناست که «جهاد» دایره بسیار وسیعی دارد و محدود به حوزه و قلمرو خاصی نمی‌شود. جهاد دارای اقسامی است که هر کسی با توجه به ظرفیت و استعداد خود مکلف به انجام آن قسم است.

۱. جهاد اکبر: مبارزه با طغیان هواهای نفسانی

جهاد اکبر به معنای مبارزه با تمایلات نفسانی و نیز وسوسه‌های شیطانی است. خداوند متعال در قرآن کریم از یک سو از وسوسه‌های شیطانی هشدار می‌دهد که کمترین غفلت از وسوسه‌های شیطانی می‌تواند ایمان را از آنان بگیرد؛ مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»^۱ ای مردم، از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ چراکه او دشمن آشکار شماست»^۲.

از سوی دیگر در آیاتی دعوت به مبارزه در مقابل هواهای نفسانی می‌دهد؛ چراکه هواهای نفسانی دشمن‌ترین دشمنانی است که اگر بر انسان سلطه یابد، عقل و قلب را از کار می‌اندازد و با محاسبات غلط، زمینه و بستر سوءعاقبت را برای انسان فراهم می‌آورد: «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»^۳ با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند. و هرگز برای زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برنگیر. و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است»^۴.

انصار رسول الله ﷺ با آن همه سابقه درخشان و جهاد ده‌ساله، سقیفه بنی ساعده را تشکیل دادند؛ در نتیجه بستر و زمینه انحراف از مسیر ولایت به خلافت را فراهم آوردند؛ به گونه‌ای که از سوی حضرت زهره رضی الله عنها در خطبه «فدکیه» ملامت و توبیخ شدند.

نمونه دیگر، طلحه و زبیر هستند که مردم را به بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام دعوت کردند، اما

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. نمونه‌ای از آیات دیگر: بقره: ۲۰۸؛ انعام: ۱۴۲؛ اعراف: ۲۲؛ یوسف: ۵؛ سوره ناس.

۳. کهف: ۲۸.

۴. اعراف: ۱۷۶؛ کهف: ۲۸؛ طه: ۱۵؛ قصص: ۵۰؛ جاثیه: ۲۳.

خود مقابل حکومت نوپای امام علی علیه السلام قرار گرفتند؛ چراکه از هواهای نفسانی و خواهش درونی خویش پیروی کردند.

این مرتبه از جهاد برای همگان به‌ویژه خواص است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ سَرِيَّةً، فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْجَبًا بِقَوْمٍ قَصَّوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَما الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. وَقَالَ عليه السلام: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ»^۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به جنگ اعزام کرد. وقتی برگشتند فرمود: خوش آمد می‌گویم به مردمانی که جهاد اصغر را گذراندند، ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی مانده است. عرض شد: ای رسول خدا، جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس».

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری درباره این دشمن سرسخت انسان می‌فرماید: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»^۲ سرسخت‌ترین دشمن، نفس توست که در میان دو پهلویت قرار دارد».

بر همین اساس معصومان علیهم السلام به ما فرمان داده‌اند و گفته‌اند: «جاهدوا أهواءكم كما تجاهدون أعداءكم»^۳ همان‌طور که با دشمنانتان جهاد می‌کنید، با هواهای نفسانی‌تان هم جهاد کنید».

۲. جهاد کبیر: روشنگری، معرفت‌افزایی

مرتبه دیگر جهاد به نام «جهاد کبیر» و به تعبیر دیگر روشنگری و معرفت‌افزایی است؛ چراکه افراد جامعه از دوراه آسیب می‌بیند؛ الف) جهل در حوزه حکمت نظری که از امری شناخت ندارد؛ از این‌رو می‌تواند با ابزارهای مناسب، هر معلومی را از جهل به علم تبدیل کند؛ ب) جهل در حوزه حکمت عملی؛ یعنی انسان در مقام عمل بر اساس رشد رفتار نمی‌کند و عملی باطل و نابهنجار در پیش گرفته است.

بر اساس روایاتی که در آغاز کتاب «عقل و جهل» اصول کافی نقل شده است. در این روایات بیان می‌شود که عقل و جهل جنود و لشکریانی دارند که در حوزه عمل در برابر هم قرار می‌گیرند؛ مثلاً یکی از جنود جهل، تکبر است که در برابر تواضع از جنود عقل قرار می‌گیرد. درحقیقت آنچه انسان را می‌سازد و بهشت و رضوان الهی را برای آدمی رقم می‌زند، عقل و جنود

۱. محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، ج ۱۶۰، ص ۱.

۲. محمد بن زین‌الدین ابن ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۱۸، ح ۱۸۷؛ احمد بن محمد ابن فهد حلی، عُدَّةُ

الذّاعی، ص ۳۱۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۷۰.

آن است که در رفتارهای نیک و خوب خود را نشان می‌دهد؛ در مقابل آنچه انسان را به دوزخ می‌کشاند، همان جهل و جنود آن است.

انسان‌های گرفتار جهل نقیض عقل، رشید نیستند؛ ازاین‌رو مطالب را واژگونه دریافت و تحلیل و توصیه می‌کنند. اینان رفتارهای زشت و ناپسند و فاسد خود را رفتاری زیبا و پسندیده و اصلاحی می‌بینند بی‌آنکه درک درستی از حقیقت داشته باشند؛^۱ زیرا فتنه عقل و چراغ فطرت خویش را پایین کشیده و دفن کرده‌اند.^۲ اینان وقتی با فتنه الهی و شبهات مواجه شوند، به جای عمل و گرایش به محکومات، به دنبال شبهات و متشابهات می‌روند. در قرآن می‌خوانیم:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.^۳

او کسی است که این کتاب [آسمانی] را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن، آیات "محکم" [= صریح و روشن] است که اساس این کتاب می‌باشد؛ [و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها برطرف می‌گردد]. و قسمتی از آن، "متشابه" است [= آیاتی که به دلیل بالابودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول احتمال‌های مختلفی در آن می‌رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می‌گردد]. اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند تا فتنه‌انگیزی کنند [و مردم را گمراه سازند] و تفسیر [نادرستی] برای آن می‌طلبند؛ درحالی‌که تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند. [آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی هستند] می‌گویند ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست. [درحالی‌که] و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند [و این حقیقت را درک نمی‌کنند].

به همین دلیل، یکی از وظایف خواص جامعه، مبارزه با جهل زمینه‌ساز بازگشت به جاهلیت است؛ بنابراین باید با روشنگری و بصیرت‌افزایی افراد جامعه را چنان هوشیار کنند که در دام

۱. بقره: ۸-۱۲.

۲. شمس: ۷-۱۰.

۳. آل عمران: ۷.

مغالطات سیاسی گرفتار نشوند و از مسیر حق - خواسته یا ناخواسته - در مسیر باطل قرار نگیرند؛ چراکه گذشته همیشه چراغ راه آینده است. راز و دلیل اینکه امت اسلامی در کمتر از ۷۵ روز از بیعت در غدیر خم یکبارہ رجعت کردند و به دامن جاهلیت برگشتند و از حکومت ولایی به حاکمیت طوایفی روی آوردند، چیزی نبود جز گرفتارشدن در مغالطه سیاسی غاصبان خلافت که می‌گفتند نبوت از قریش بوده است و «نحن من قریش والائمة منا».

بر همین اساس امام سجاد (ع) در توصیف قاتلان سیدالشهداء (ع) می‌فرماید: «لَا يَوْمَ كَيُومِ الْحُسَيْنِ (ع) اِزْدَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ اَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ اَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ كُلِّ يَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ وَ هُوَ بِاللّٰهِ يَذْكُرُهُمْ فَلَا يَتَعَذَّبُوْنَ حَتَّى قَتَلُوْهُ بَغِيًّا وَ ظُلْمًا وَ عَدُوًّا»^۱ هیچ روزی مانند روز [شهادت] حسین نیست که سی هزار نفر علیه او جمع شدند و همه گمان می‌کردند از این امت هستند و همه می‌خواستند با ریختن خون او به خدا نزدیک شوند؛ درحالی‌که حسین آنها را نصیحت می‌کرد، اما تأثیری نداشت تا اینکه او را از روی سرکشی و ظلم و دشمنی کشتند».

خداوند متعال یکی از وظایف مسلمانان را جهاد کبیر، بصیرت‌افزایی و روشنگری در مقابل جهل و جمود می‌داند و خطاب به آنان می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»^۲ پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی بازایستی،] فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن».

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

پنج شاخص [انقلابی بودن] که اینها را شرح خواهم داد [عبارت‌اند از]: شاخص اوّل: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب؛ شاخص دوّم: هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همّت بلند برای رسیدن به آنها که آرمان‌های انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همّت برای رسیدن به آنها داشته باشیم؛ شاخص سوّم: پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم: حسّاسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او که البته باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را "جهاد کبیر" نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم -؛ شاخص

۱. محمد بن علی ابن بابویه، امالی، ص ۴۶۲.

۲. فرقان: ۵۲.

پنجم: تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان‌طور که عرض کردیم، مختلف است.^۱

۳. جهاد اصغر: جهاد افضل

مرتبه دیگر جهاد، «جهاد اصغر» است. این جهان به معنای هزینه کردن جان و مال در مقابله با ظالمان و مستکبران، شورشیان داخلی و باغیان در هر عصر و زمانه‌ای که امنیت، اقتصاد و دین را با هجوم‌شان نشانه گرفته‌اند. خداوند متعال در آیاتی از قرآن، جهاد با مال و جان را از مصادیق احسان، تقوا، رستگاری و خیر می‌داند و برای آن اجر جزیل و عظیم قرار داده است و مجاهدان را فائز و پیروزمند و دارای درجات در نزد خود معرفی می‌کند؛^۲ از جمله می‌فرماید:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^۳

[هرگز] افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشتند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه [به نسبت اعمال نیکشان] خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

بنابراین جهاد با جان که همان جهاد نظامی است، دو حالت دارد:

الف) ممکن است از نوع جهاد داخلی باشد که علیه اهل بغی و منافقان انجام می‌گیرد. جهاد علیه بغی یعنی جهاد علیه مسلمانانی که از حق خارج شده‌اند و دست به سلاح برده‌اند. این جهاد تا زمانی ادامه می‌یابد که آنان دست از سلاح بردارند و تن به حکم حق دهند.^۴ تعبیر قرآن از این نوع، به جهاد طایفه‌ای و جهاد علیه باغی است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در بیست و هفتمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

۲. توبه: ۲۰-۴۱-۴۴-۸۱-۸۲؛ حجرات: ۱۵.

۳. نساء: ۹۵.

۴. حجرات: ۹.

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^۱ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید. و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. و هرگاه بازگشت [و زمینه صلح فراهم شد]، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد^۲.

ب) جهاد علیه منافقان که در آیاتی از قرآن به آن اشاره شده است و خداوند آن را جهاد واجب معرفی می‌کند؛^۳ از جمله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»^۴ ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر. جایگاهشان جهنم است؛ و چه بدسرنوشتی دارند^۵.

همچنین ممکن است از نوع جهاد خارجی باشد که همان جهاد علیه دشمنان خارجی از کافران و مشرکان است.^۶

۴. جهاد اقتصادی

نوع دیگر از جهاد، «جهاد اقتصادی» است؛ به این معنا که عزت و کرامت و استقلال هر ملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است؛ چنان‌که فرومایگی و زبونی هر ملتی، پیامد تبلی و راحت‌طلبی و بیکاری است.

از آنجاکه کسب عزت و استقلال در پرتو تولید و اشتغال امکان‌پذیر است، روایات اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها افراد جامعه را به تولید سرمایه و کار دعوت کرده است، بلکه تلاشگران عرصه تولید را در مرتبه مجاهدان فی سبیل الله دانسته‌اند؛ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در توصیف مجاهدان اقتصادی فرمودند: «الكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۷ کسی که برای [کسب روزی] خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست^۸. مقصود از این حدیث آن است که هر کسی باید به فکر به‌دست آوردن روزی حلال باشد و سعی و تلاش در طلب معیشت کند. نتیجه

۱. حجرات: ۹.

۲. تحریم: ۹؛ نساء: ۸۸-۹۰.

۳. توبه: ۷۳.

۴. فتح: ۱۶؛ توبه: ۷۳.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳.

چنین امری، اشتغال‌زایی و تولید است. اشتغال و تولید در جامعه سبب آسایش و سهولت معیشت افراد جامعه است. تحقق مسئله اقتصاد مقاومتی در سطح زندگی مردم و مسئولان می‌تواند یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه یعنی مسئله اشتغال و تولید را رفع کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌جمهور احسایی، عوالی اللئالی، قم: انتشارات سید الشهداء علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. _____، معانی الأخبار، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۹۵ ش.
۴. ابن‌فارس، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغة، المحقق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۹ ق/۱۹۷۹ م.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.